

## آداب باطنی تلاوت قرآن

قرآن به عنوان آخرین وحی الهی که بر افضل انبیاء الهی نازل شده نور هدایت ابدی برای بشریت و تجلی خداوند در کلامش بود. قرآن شاهد زنده بر نبوت رسول اکرم (ص) و گرامی ترین برهان بر حقانیت اوست، زیرا دلیلی دائمی و حجّتی همگانی به شمار می آید که تمامی ابعاد و جوانب آن نشان از دانش نامتناهی ربانی دارد و هیچ کس را یارای آن نبوده و نخواهد بود که مانند این کتاب را از پیش خود بیاورد.

از جمله عواملی که قرآن را در دلها و مصاحف حفظ می کند، تلاوت و مداومت در مطالعه آن است. تلاوت قرآن نیز مانند هر عمل مستحب دیگر دارای آدابی است که خود بر دو نوعند: ظاهری و باطنی. از این دو قسم آداب باطنی تلاوت قرآن از اهمیت بیشتری برخوردار است که در هنگام تلاوت قرآن بایستی مد نظر قرار گیرد. برای تلاوت قرآن ده ادب باطنی است که به ترتیب در پی می آید.

## فهمیدن اصل کلام

تلاوت کننده، باید بداند که با چه سخن بزرگی مواجه است، سخنی که نشانه لطف و رحمت و عنایت آفریدگار هستی به آدمی است. سخنی که حقایق بسیار بلندی را تا مرز فهم و درک انسانها تنزل داده است.

فهم عظمت کلام، درک فضل و لطف خداوند درباره بندگان است که این کلام را از عرش جلال خود تا سطح فهم مردم نازل فرموده است و باید اندیشید که چگونه خداوند در رسانیدن معانی کلام خود - که صفتی قائم به ذات اوست - به مرتبه فهم مردم، به بندگان لطف و کرم فرموده چگونه آن صفت در طی حروف و اصوات که از صفات بشری است بر آنان تجلی کرده است. قاری قرآن بایستی کلام الهی را درس بگیرد و بیاموزد و به قرائت آن اکتفا نکند چنانکه در سوره اعراف آیه ۱۶۹ آمده است «و درسوا ما فیه» یعنی کلام الهی را فرا گرفتند. همچنین قاری قرآن بایستی آیات الهی را با گوش جان بشنود و آن را به خاطر بسپارد، چنان که در سوره حاقه آیه ۱۲ آمده است «و تعیها اذن واعیه؛ قرآن را گوش های حافظ به یاد می سپارند»، درک عظمت کلام الهی، جز با اندیشه در محتوای آن میسر نیست.

## آگاهی به عظمت متکلم

شایسته است که قاری قرآن، در آغاز تلاوت، به عظمت گوینده قرآن توجه کند و بداند که قرآن سخن بشر نیست همان طور که ظاهر قرآن را جز با طهارت نمی‌توان لمس کرد، معنی و حقیقت آن نیز جز با طهارت قلب از صفات زشت قابل درک نیست. در هنگام تلاوت باید به خود گوشزد کرد که گوینده این سخنان آفریدگار همه چیز و روزی دهنده همه جنبدگان است و همه تحت سیطره او قرار دارند و در فضل و رحمت او غوطه ورنند. اگر نعمت دهد از فضل اوست و اگر مجازات کند از عدلش، و در نهایت هم اوست که می‌گوید: اینان اهل بهشت و اینان اهل دوزخند.

اندیشیدن به حقایقی از این قبیل، عظمت و تعالی گوینده قرآن را در دل می‌نشاند و کلام او را مؤثر می‌سازد، چرا که برای آدمیان، گذشته از اصل کلام، گوینده آن نیز اهمیت داشته و اعتبار کلام تا حد زیادی به اعتبار و شأن متکلم بستگی دارد.

#### تدبّر

کسانی که قرآن می‌خوانند و کسانی که به آن گوش می‌دهند، لازم است که در آیات کتاب الهی به تدبّر و تفکر بپردازند و با اندیشیدن در مضامین آیات، خود را در معرض تابش نور الهی قرار دهند و در یک فضای معنوی تنفس کنند. تدبّر در آیات قرآنی انسان را در دنیایی از معارف والا و مفاهیم بلند قرار می‌دهد که هیچ چیز با آن برابری ندارد و آیات قرآنی به عنوان کلیدهای سعادت انسانی در اختیار او قرار می‌گیرند. قرآن کریم، مردم به خصوص صاحبان اندیشه را به تدبّر در آیات خود فراخوانده است.

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» [۱]

قرآن کتابی است مبارک که آن را نازل کردیم تا مردم در آیات آن تدبّر کنند و صاحبان اندیشه متذکر باشند. و نیز در جای دیگر از کسانی که در آیات قرآن تدبّر نمی‌کنند گله می‌کند و دل‌های آن‌ها را مَهر شده می‌نامد که سخن حق در آنها نفوذ ندارد:

«أَفَلَا يَتَدَّبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟» [۲]

چرا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل زده شده است؟»

و نیز در جای دیگر اهل معنا را به توجه و تذکر در آیات قرآنی که به آسانی در اختیار آنهاست و هیچ‌گونه پیچیدگی ندارد فرا می‌خواند:

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» [۳]

همانا قرآن را برای توجه به آن آسان قرار دادیم آیا توجه‌کننده‌ای هست؟»

و نیز تدبّر، پس از حضور قلب و توجه قرار دارد، زیرا چه بسا انسان هنگام تلاوت قرآن به چیز دیگری نیندیشد ولی از سوی دیگر به شنیدن آیات، بسنده کند و در آن تدبّر نکند، اما چنان که می‌دانیم غرض از تلاوت قرآن، تدبّر در آن است نه چیز دیگر.

حضور قلب و ترک حدیث نفس

حضور قلب از توجه بیشتر سرچشمه می‌گیرد زیرا تعظیم کلامی که قرائت می‌شود، ریشه در توجه انسان به آن کلام دارد، و اندیشه خود را در چیز دیگری مصروف نمی‌دارد و این تمرکز اندیشه و همت سبب شادی و انبساط خاطر می‌شود. و می‌گویند در معنا و تفسیر آیه «یا یحیی خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» [۴] گفته شده با جدیت و کوشش کتاب را بگیر» یعنی این که در هنگام تلاوت قرآن وجود خود را از تمامی افکار خالی و همت را به آن مصروف بدار.

مهار ذهن و خودداری از انحراف ذهن از یک مسئله به مسائل دیگر امری بس دشوار و نیازمند به تمرین است یعنی آن چه را که عموم مردم «حواس پرتی» می‌دانند به راحتی قابل پیشگیری نیست و حضور قلب نیز چیزی جز «حواس جمعی» نیست. کسی که قرآن می‌خواند، باید به آنچه می‌خواند عنایت و توجه داشته باشد و کلمات را بر حسب عادت و چرخش زبان نگوید زیرا قاری قرآن، تنها به مقداری که با توجه خوانده است، بهره می‌برد و آن چه بی‌توجه خوانده می‌شود مانند آبی است که هدر می‌رود و مزرعه را سیراب نمی‌کند، منظور آن است که هنگام تلاوت، تمام حواس قاری به آیات الهی باشد و هیچ هم و غم دیگری را به دل راه ندهد.

## تفهّم

منظور از تفهّم آن است که از هر آیه‌ای آن چه سزاوار آن است برداشت و استنباط کند (یعنی مراد از تفهّم آن است که برای هر آیه‌ای، توضیح و شرحی مناسب با موضوع آن، به دست آورد) تفهّم در ادامه تدبّر است، چه بسا کسی تدبّر کند اما حصول نتیجه‌ای نباشد، یعنی باید آن قدر تدبّر کرد تا مفهوم آیه را دریافت. براین اساس آیات قرآن مشتمل بر مطالب گوناگونی است (از صفات آفریدگار گرفته تا صفات آدمیان و...) که دانستن هر یک چراغی است فرا راه تکامل انسان.

## ترک موانع فهم

بعضی از مردم به خاطر اینکه شیطان پرده‌ای بر فهم آنان افکنده است، از فهم معانی قرآن محروم و از درک اسرار و شگفتی‌های آن بی‌بهره‌اند، قاری قرآن بایستی در رفع موانع و حجب شیطانی بکوشد. مهمترین حجاب‌های فهم چهار مورد است:

حجاب اوّل: برخی از افراد (قاریان)، تمام تلاش و توجه خویش را صرف تلفظ صحیح کلمات قرآن می‌کنند، تا مبدا حرفی را از مخرج نادرست، ادا کنند، در چنین وضعیتی دیگر برای توجه به معانی، مجالی باقی نمی‌ماند. که این کار به عهده شیطان است که موکل بر قرآن شده تا با وسوسه مردم را از درک معانی کلام الهی باز داشته و مردم را وادارد که در ادا به حروف تردید نمایند.

حجاب دوم: اینکه تلاوت کننده در مسائل، متقلد نظریه‌ای باشد که به تقلید آن را یاد گرفته و نسبت به آن جمود و تعصب داشته باشد این چنین اعتقاد و تعصّبی مانع از ارتقاء است و به او اجازه نمی‌دهد که غیر از مورد اعتقادش به مطلب دیگری بیندیشد.

حجاب سوم: این است که قاری و تلاوت کننده قرآن بر گناهی اصرار ورزد و یا متکبر و یا مبتلا به هوای نفس باشد. این گناهان سبب تاریکی دل می‌گردد و مانند غبار بر آینه قلب نشسته، از تجلّی حق جلوگیری می‌کند و این بزرگترین حجاب دل است و بیشتر مردم به این حجاب گرفتارند.

حجاب چهارم: این است که تفسیر ظاهری آیه را بخواند و بپذیرد که کلمات قرآن در معانی خود منحصر به آن است که از ابن عباس و مجاهد و امثال آنها نقل شده است. و بقیه تفسیر به رأی است و این خود از حجاب‌های بزرگ فهم قرآن است.

### تخصیص

تخصیص یعنی این که تلاوت کننده در نظر بگیرد که مقصود از هر خطاب قرآن، خود اوست پس اگر نهی از امری را در قرآن می‌خواند، یا وعده و وعیدی را می‌شنود خود را مخاطب بداند و اگر داستان‌های انبیاء و اقوام گذشته را قرائت می‌کند آنها را به منزله افسانه تلقی نکند بلکه بداند که مقصود از آنها عبرت است و قاری بایستی از لابه‌لای آنها آنچه را مورد نیاز می‌باشد بگیرد. در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؟» [۵] یعنی ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم، پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟»

### تأثیر

تأثیر آن است که قرائت کننده قرآن از آیات گوناگون کلام الهی متأثر شود و به حسب مضمون هر آیه حالت حزن و اندوه یا نشاط و شادی برایش حاصل گردد؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) خود از آیات الهی متأثر بود. در این صورت قلب آماده تأثیر پذیری می‌شود. قاری باید به تناسب معنای آیه حالتی مناسب در دل احساس کند، اگر به آیه عذاب می‌رسد احساس وحشت نماید و اگر به آیه مغفرت می‌رسد، شاداب باشد. از این رو گفته‌اند بنده‌ای که با ایمان قرآن را بخواند، اندوهش افزون و شادیش اندک، گریه‌اش فراوان و خنده‌اش کم، دل مشغولیش بسیار و راحتیش، قلیل است

### ترقی

ترقی یعنی این که تلاوت کننده قرآن به مرحله‌ای ارتقاء یابد که گویا کلام را از خداوند می‌شنود قرائت سه درجه دارد: پایین‌ترین آن این است که قاری آن را بر خدا می‌خواند و خود را در برابر او می‌بیند در این مرحله حال او، حالت درخواست و تضرع و گریه و زاری خواهد بود.

درجه فراتر این که تلاوت کننده با قلب خود شهادت دهد که پروردگار با الطافش او را مخاطب ساخته و مشمول نعمات خود قرار داده است، در این مرحله مقام قاری، مقام حیا و تعظیم و گوش دادن و فهم است.

درجه سوم این که در کلام، متکلم و در کلمات، صفات او را ببیند و لذا به خود و قرائت خود ننگرد و همت و کوشش او تنها گوینده این کلمات باشد و اندیشه‌اش را متوجه او کند، گویا مستغرق در دیدار گوینده است نه به قرائت و حتی نه به نعمت و شکر منعم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «والله لقد تجلی الله لخلقه فی کلامه ولکن لایبصرون» به خدا قسم، خداوند در کلام خود تجلی کرد ولی آنان نمی‌بینند. [۶]

#### تبری

تبری آن است که تلاوت کننده قرآن، در هنگام تلاوت از نیرو و توان و توجه خود دوری کند و با چشم خشنودی و تزکیه به خود ننگرد، هنگامی که آیات بهشت و مدح صالحان را می‌خواند به خود تطبیق ندهد، بلکه برای اهل یقین و صدیقین گواهی دهد و ابراز اشتیاق نماید که به آنان بیوندد و زمانی که آیه غضب و مذمت گناهکاران و مقصران می‌خواند به خود تطبیق دهد و در خشیت و خوف خود را مخاطب سازد و امیرالمؤمنان علی (ع) به همین نکته اشاره دارد در آن جا که می‌فرماید:

«إذا مرّوا بآیه فیها تخویف اصغوا الیها مسامع قلوبهم و ظلّوا انّ زفر جهنم و شهیقها فی اصول آذانهم؛ [۷]

هنگامی که به آیه‌ای برمی‌خورند که در آن ذکر تهدیدی است، با گوش قلب آن را می‌شنوند و چنین می‌اندیشند که صدای آتش جهنم در گوشه‌هایشان است.» در پایان از خداوند منان خواهانیم که ما را از فواید معنوی آداب باطنی قرآن برخوردار بگرداند.

---

[١]. سورة ص، آيه ٢٩.

[٢]. سورة محمد، آيه ٢٤.

[٣]. سورة قمر، آيه ١٧.

[٤]. سورة مريم، آيه ١٢.

[٥]. سورة قمر، آيه ٢٤.

[٦]. اسرار الصلاة، شهيد دوم، ص ٢٠٤.

[٧]. نهج البلاغه، خطبه ١٩١.